



ملک آسیاب



■ نویسنده:
غزاله علیزاده
■ آخرین چاپ: ۱۴۰۰
■ انتشارات: رشدیه
■ تعداد صفحات: ۱۶۸

«ملک آسیاب» داستان زنی به نام سارا و دغدغه‌های اوست؛ روایتی خطی و مشخص و جمع‌وجور که در ۱۶۴ صفحه روایت می‌شود و خواندنش برخلاف بسیاری از آثار غزاله علیزاده می‌تواند سریع و لاینقطع باشد، شاید به این دلیل که زبان اثر پیچیدگی‌های کارهای قدیمی‌تر او را ندارد، عنصر تعلیق آشکارتر است و طنز نقشی پررنگ‌تر دارد. تفاوت دیگر «ملک آسیاب» با کارهای قبلی غزاله علیزاده، روال خطی و معین داستان و پایان‌بندی معلوم آن است...

سفر ناگذشتنی



■ نویسنده:
غزاله علیزاده
■ آخرین چاپ: ۱۳۵۶
■ انتشارات: زمستان
■ تعداد صفحات: ۱۱۱

مجموعه داستان «سفر ناگذشتنی» در سال ۱۳۵۶ منتشر شد و مشتمل بر داستان‌های شجره طیبه، پاندارا، با انار و با ترنج از شاخ سیب است. داستان‌های این مجموعه، روایت آدم‌هایی رمانتیک‌اند که در آرزوی رسیدن به محیطی تازه و عجیب به سفری غریب می‌روند و شهر مقدس خود را در شور نومیذانه جست‌وجوی دنیای بی‌مسئولیت آغازین می‌جویند...

چهارراه



■ نویسنده:
غزاله علیزاده
■ آخرین چاپ: ۱۳۷۴
■ انتشارات: زمستان
■ تعداد صفحات: ۲۴۶

مجموعه داستان «چهارراه» شامل چهار داستان کوتاه مفصل است که در سال ۷۳ منتشر شد. این داستان‌ها با یک نخ مری و گاه نامریی به یکدیگر متصل شده‌اند؛ این نخ همان زمان داستان‌هاست. زبان و زمانی برای روایت آدم‌های پسا کودتا، که هرکس به شیوه‌ای در چنبره این رویدادهای تاریخی به راه‌های ناگزیر تن می‌دهد و در همین فضا بخت خود را می‌آزماید؛ در عشق‌ورزی یا بازگشت به یک زندگی...

مسائل شخصی و اجتماعی درگیر می‌شوند، دغدغه زنان هم در مواجهه با مسائل مختلف بازتاب داده می‌شود و در این اثنا طیف بزرگی از شخصیت‌های زنانه از جمله زنان آرمانی، زنان مبارز، زنان معمولی، زنان رنج‌کشیده، زنان اساطیری و... خلق می‌شوند تا نگاه زنانه‌اش به‌عنوان یک نویسنده صرف بازگویی تمام مسائل و ابعاد شخصیتی زنان شود؛ از دردها و رنج‌ها گرفته تا رویاها و آرزوها.

از توانمندی‌های دیگر غزاله علیزاده که سبب تمایز آثار او می‌شود، مساله نثر و زبان است. در آثار او نثری ساده به تناسب محتوا با زبانی خیال‌انگیز ترکیب می‌شود تا در نهایت به ارائه توصیفاتی شاعرانه بینجامد. او که از دایره لغاتی گسترده بهره می‌برد، با تسلط بر روند داستان و شناخت اتمسفر حاکم بر فضا و به‌کارگیری آرایه‌های ادبی و نمادها، داستانی با ظرفیت بالای معنایی را روایت می‌کند که با وجود ترکیبات زبانی بدیع و توصیفات دقیق و به‌جا نشان از نگاه ریزبینانه و جزئی‌نگر او به پدیده‌ها دارد که به آهستگی داستان را پیش می‌برد بی‌آنکه این آهستگی به ملال و یکنواختی آغشته شود.

علیزاده از جمله نویسندگانی است که رابطه و پیوند داستان‌هایش با اساطیر مشهود است و در روایت‌هایش ردپای اسطوره به چشم می‌خورد. او در روند شخصیت‌پردازی‌هایش برای بیان دغدغه‌ها و اندیشه و در راستای دستیابی به اهداف داستانی‌اش، از اسطوره‌ها الهام می‌گیرد. علیزاده با خوانش‌های متمایزی از اسطوره‌های مختلف به تبیین جهان هستی دست می‌زند. او با بهره‌گیری از اندیشه‌های اساطیری، که همواره به انسان و مسائل پیرامون زندگی انسان، و توسل به وجوه مشترک اسطوره‌ها با روایات و شخصیت‌هایی که خلق می‌کند، به جنبه‌های مختلف جهان داستانی‌اش غنا می‌بخشد و رابطه میان روایت و محتوا را مستحکم‌تر می‌کند، به‌ویژه که علیزاده در خلق فضاهایی معلق میان واقعیت و خیال و همچنین شخصیت‌هایی رازآلود نویسنده‌ای چیره‌دست بود. غزاله علیزاده تا آنجا که صبر و توان روایتی با فرازونشیب‌های زندگی در تحملش بود، ماند و رویا بافت، رویایی که در تاروپود زندگی‌اش گره خورده بود و هر بار او را به نوشتن روایتی تازه وامی‌داشت. این تنها امر ناگزیری بود که او را با جهان واقعیت پیوند می‌زد. اما رویاهای زیادی را هم در همان جنگل‌های اطراف روستای جواهرده رامسر پرواز داد تا مرگ زودهنگامش و یادآوری نامش همچنان با حسرت و حیرت همراه باشد. پیکر او را سرانجام در امامزاده طاهر کرج به خاک سپردند.

مخاطبان آثارش بر سر زبان‌ها بیفتند. امر نوشتن برای غزاله مساله‌ای جدی تلقی می‌شد و او در این مسیر و چنان که با نگاهی به مجموعه آثارش می‌توان پی برد، نثر و جهان داستانی مختص به خود را خلق کرد. در ادامه مسیر نویسندگی‌اش رمان‌های «دو منظره»، «خانه ادیسی‌ها»، «شب‌های تهران» و «ملک آسیاب» و همین‌طور مجموعه داستان «چهارراه» شامل داستان‌های دادرسی، بعد از تابستان، جزیره، سوچ و مجموعه داستان «تالارها» شامل داستان‌های نقش‌ها، اول بهار، گردشکنان، تالارها را منتشر کرد. اما از این کارنامه، رمان دوجلدی «خانه ادیسی‌ها» که سه سال پس از فوتش جایزه بیست سال داستان‌نویسی پس از انقلاب را برد و همین‌طور مجموعه داستان «چهارراه» آثاری بودند که شهرت غزاله علیزاده را رقم زدند. داستان کوتاه «جزیره» از همین مجموعه داستان نیز برنده جایزه قلم طلایی مجله ادبی «گردون» شد.

غزاله علیزاده همچون هر نویسنده دیگری دغدغه پرداخت به مسائل زمانه‌اش را داشت، اما دیدگاه او نسبت به این مسائل همان چیزی بود که او را تبدیل به یکی از زنان نویسنده سرآمد ادبیات ایران کرد و آثارش امکان تحلیل از منظر اسطوره‌شناسی، اجتماعی، فلسفی، سیاسی، روابط انسانی، روانشناسی، فمینیستی و... در اختیار مخاطبان قرار می‌دهد.

شکل ساخت روابط انسانی، کاویدن این روابط و دستیابی به لایه‌های شخصیت انسان‌ها از مولفه‌های بارز آثار علیزاده است که از منظرهای احساسی و رمانتیک، دغدغه‌ها و دردهای اجتماعی و همین‌طور نگاه آرمانی به وضعیت و سرنوشت انسان به آنها پرداخته است. او زنان و مردانی را تصویر می‌کند که در عرصه خانواده و جامعه آینه تمام‌نمای عصر خودشان بوده‌اند. زنان و مردانی که مساله عشق حفره‌ای بزرگ در زندگی‌شان پدید آورد، در پی خوشبختی می‌گردند و در عین حال رویاها و خیالات شیرین و سرگشتگی‌ها و ناملامت‌هایی که زمانه بر آنها تحمیل می‌کند به تصویر کشیده می‌شود، هر چند که هیچ‌وقت خوشبختی به آن شکلی که رویایش را بافته‌اند حادث نمی‌شود و تلخی و سردی واقعیت همیشه در کمین‌شان نشست است. در واقع «جنسیت» آن چیزی نیست که علیزاده قصد داشته باشد برای آن استثنا قائل باشد، بلکه پرداخت به نقش زنان را از منظری دیگر پی می‌گیرد و نقش‌هایی برابر به شخصیت‌هایش می‌دهد. در چنین شرایطی، همان‌طور که مردها با

علیزاده از جمله نویسندگانی است که رابطه و پیوند داستان‌هایش با اساطیر مشهود است و در روایت‌هایش ردپای اسطوره به چشم می‌خورد. او در روند شخصیت‌پردازی‌هایش برای بیان دغدغه‌ها و اندیشه و در راستای دستیابی به اهداف داستانی‌اش، از اسطوره‌ها الهام می‌گیرد. علیزاده با خوانش‌های متمایزی از اسطوره‌های مختلف به تبیین جهان هستی دست می‌زند